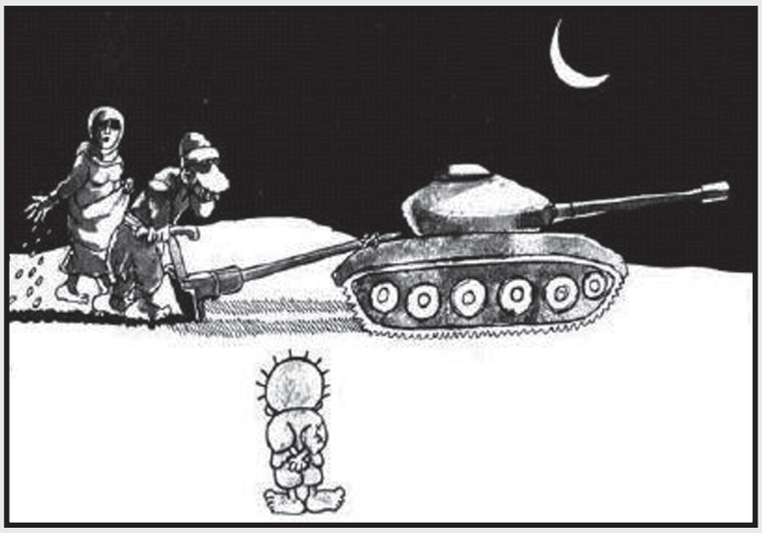

حنظله تلخ نیست

علی مهر

به مناسبت سالگرد شهادت ناجی العلی

در فرهنگ‌ها آمده است: حنظله مفرد حنظل و آن گیاهی است که مانند خیار و خربزه روی زمین می‌خزد (البته نه خیار گلخانه‌ای که خیلی شیک است و مجلسی؛ بلکه مثل خیار سالادی) تلخی آن بسیار شدید و در تلخی ضرب‌المثل است.

اما نه، حنظله نام پسر بچه‌ای است با سری بی‌مو، با لباس‌های مندرس، دست‌ها در پشت کمر گره کرده، بیش‌تر وقت‌ها پشت به ما و رو به حادثه و چنان زل زده به آدم‌ها که تیزی نگاهش تا عمق وجود آدم‌ها نفوذ می‌کند.

حنظله حرف نمی‌زند، بلکه بیش‌تر وقت‌ها گوشه‌ای ایستاده و آن‌چه می‌گذرد را نظاره می‌کند و همین سکوتش تیزتر از هزاران کلمه است. همین نگاه بی‌کلامش عرق شرم به پیشانی آدم می‌نشاند و او را به فکر فرو می‌برد. البته به جز سران شکم‌گنده عرب را، که این‌ها نیز شخصیت‌های دیگر کاریکاتورهای ناجی العلی هستند، همان‌هایی که تلفن می‌زدند و او را تهدید می‌کردند که دست از این کاریکاتورها بردار وگرنه...

ویژگی‌ای که حنظله دارد، این است که خیلی خوب جاهایی را که باید حاضر شود و گوشه‌ای بایستد و زل بزند را انتخاب می‌کند.

به کاریکاتورهایی که در همین صفحه آمده نگاه کنید.

البته گاهی وقت‌ها حنظله دیگر طاقت نمی‌آورد و مثل همان کاریکاتوری که دختری فلسطینی از یک‌سو و سران شکم‌گنده عرب از سوی دیگر، پارچه‌ای سفید را به سوی خود می‌کشند. دختر می‌گوید پارچه را ول کنید. می‌خواهم برای کفن برادرم استفاده کنم و سران شکم‌گنده می‌گویند پارچه را ول کن می‌خواهیم به عنوان پرچم صلح و سازش با اشغال‌گران از آن استفاده کنیم و حنظله در این کاریکاتور به کمک دختر آمده و همراه او پارچه را به سمت خودشان می‌کشد.

به‌هرحال من فکر کنم تعریفی که در ابتدا از حنظله آوردم اشتباه باشد. حنظله تلخ نیست، بلکه تیز است. تیز و تند که دهان و دل را می‌سوزاند و اشک به چشم آدم می‌نشاند.

راستی بد نیست بدانید ناجی‌العلی در یکی از آخرین کاریکاتورهای خود کشته شدنش را پیش‌بینی کرده بود. چه‌طوری؟ با کشیدن تصویر شهادت حنظله.